

پشت پرده حمله‌های کامنتی به هنرمندان در وقایع سال گذشته

# کیش و مات سلبریتی‌ها در مارپیچ سکوت دشمن

حتی فکر کنند؛ چون مورد اهانت، فحاشی و قضاوت قرار می گرفتند.

اعلام موضعی که با واکنش مثبت لاله اسکندری بازیگر سینما و تلویزیون همراه شده است. همچنین موج حملات به مصطفی زمانی بعد از شرکت در جشنواره فیلم فجر و حضور در نشست خبری فیلمش از این دست اتفاقات بود. سال گذشته نیز با وجود همراهی سازمان سینمایی با چهره‌ها، برای حضور آثارشان در جشنواره فیلم فجر، بسیاری از افراد مشهور، از بین فحاشی مجازی از حضور در نشست‌های خبری آثار فجر انصراف دادند.

همچنین حسین شاهمردادی مدیر شبکه چهار سیما چند روز پیش در برنامه جام جم گفته بود که «سروش صحت، مهران مدیری و رامبد جوان هیچ کدام از صداوسیما حذف نشده‌اند، بلکه اینها به دلیل تقویت عقاید روشنفکران جرأت نمی‌کنند به تلویزیون بیایند».

البته بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از سرخ‌های پروژه فشار مجازی به چهره‌های معروف را باید در نقش آفرینی برخی از چهره‌های معروفی جست‌وجو کرد که پس از ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ با خروج از کشور در خدمت اهداف ضدایرانی بعضی جریان‌های معاند قرار گرفته‌اند و در یک سال گذشته، نقشی محوری از اعمال فشار به هنرمندان و چهره‌های معروف به منظور موضع‌گیری علیه جمهوری اسلامی داشته‌اند.

فشارهای کامنتی و فحاشی یکی از ابزارهای جریان معاند بود در این مدت، چهره‌هایی از جمله علی کریمی، احسان کریمی، حمید فرخ‌نژاد، برزورجمند، مهناز افشار، روناک یونسی و... بارویکردهایی مشابه، کوشیده‌اند با تحت فشار قرار دادن هم‌صنف‌های خود و همچنین چهره‌های معروف و سلبریتی‌ها، آنان را به موضع‌گیری‌های ضد مردمی و ادار کرده یا حداقل مجبور به سکوت کنند.

البته فشارهای کامنتی و فحاشی در فضای مجازی نسبت به هنرمندان و چهره‌های معروف با هدف عدم همراهی آنان با جامعه، یکی از ابزارهای جریان معاند بود. براین اساس، در مقاطع مختلف شاهد بوده‌ایم زمانی که هنرمندان و سلبریتی‌ها در مناسبت‌هایی مانند پیروزی تیم‌های ملی ورزشی یا دستاوردهای ملی دیگر، همگام با مردم شادی کرده یا موفقیت به دست آمده را تبریک گفته‌اند، جریان سازماندهی

ایستاده‌اند، با افراد عادی اجتماع در یک تراز ارزیابی می‌شود؟

در تازه‌ترین افشاگری درباره اعمال فشارهای مجازی به چهره‌های معروف، الهام حمیدی، بازیگر در جدیدترین پست خود در شبکه اجتماعی اینستاگرام به ماجرای تحمیل سکوت بعد از گل‌های جام جهانی و جشنواره فجر اشاره کرد. او در این باره نوشت: «اخیراً خیلی بحث توهین‌های کامنتی به شخصیت‌ها توسط افراد مختلف مطرح شده است. گفتم بد نیست بگم من هم تحمیل سکوت رود جا دیدم: یک بار وقتی فوتبال‌لیست‌ها مون تو جام جهانی حق شادی بعد از گل نداشتن و یک بار هم وقتی بازیگرمون بعد از شرکت تو جشنواره فجر کلی فحش خوردند.» حمیدی در ادامه اضافه کرده است: «ظاهر اشاره به هر اتفاق امیدوارکننده‌ای، سیل توهین تو کامنت‌ها و دایرکت روبه همراه داره. آیا واقعاً صاحب این اکانت‌های توهین‌کننده، مردم با فرهنگ ایرانی؟»

پیش از افشاگری الهام حمیدی نیز، برخی دیگر از چهره‌های هنری، به موضوع هجمه‌های مجازی اشاره کرده بودند. چند روز قبل، لیندا کیانی، دیگر بازیگر سینما و تلویزیون هم در پستی به این موضوع اشاره کرده بود. او در این پست نوشته بود: «عده زیادی هستند که سازماندهی شده میان زیرپست‌های من و همکارانم یا دیگر چهره‌های شناخته‌شده با هجمه سنگین کامنتی، سعی دارند که جلوی حق گویی ماها رو بگیرن؛ هدفشونم اینه که ما رو اسیر مارپیچ سکوت کنند.» کیانی در ادامه اضافه کرده است: «برام مهم شد و خواستم از این تریبون به همکارانم توصیه کنم که حواستون باشه تو دام نیفتید.»

همچنین متین ستوده، بازیگر سینما و تلویزیون از دیگر چهره‌هایی است که به موضوع هجمه‌های کامنتی واکنش نشان داده و نوشته: «دیدم بعضی از همکارهای عزیزم درباره توهین‌های کامنتی به شخصیت‌ها در فضای مجازی صحبت‌هایی کردند. راستش

دل‌م خیلی گرفت؛ چون پارسال همین موقع‌ها، خیلی‌ها سرکارشون رو می‌رفتند و زندگی‌شون بر مدار بود، ولی خیلی‌های دیگه نمی‌تونستند به سرکار رفتن

زینب رازدشت  
روزنامه‌نگار

«رسانه‌ها می‌توانند به شما تلقین کنند نظر شما در یک موضوع خاص در اقلیت است و به این شکل شما را وادار به سکوت کنند». این همان نظریه «مارپیچ سکوت» است که سال‌هاست توسط سیاست‌گذاران رسانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق این نظریه، کسانی که رسانه‌ها را کنترل می‌کنند، با این روش، هر روز تعداد بیشتری از مردم را به سکوت درباره یک موضوع وادار می‌کنند. اما با ظهور شبکه‌های اجتماعی، این سیاست قدیمی هم با اما و اگرهایی روبه‌رو شد و پژوهشگران متعددی این تغییر و تحولات را بررسی کرده‌اند تا بفهمند نظریه «مارپیچ سکوت» در شبکه‌های اجتماعی به چه شکل درآمده است.

شاید موضوع گزارش امروزمان نظریه مارپیچ سکوت نباشد اما باید گفت رفتارهای برخی از سلبریتی‌ها در پی ناآرامی‌های پاییز سال گذشته، براساس این نظریه شکل گرفت، بدون آنکه خودشان بدانند.

**آیا سلبریتی‌ها همچون شهروندان حق ارائه نظر دارند؟**

در این میان، چنین پرسشی مطرح می‌شود که آیا سلبریتی‌ها هم حق ندارند مثل هر شهروند آزاد دیگری نظرات خودشان را در مورد مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و... بیان کنند؟ این استدلال یا اعتراض که در قالب یک پرسش بیان می‌شود، رایج‌ترین دفاعیه هواداران سلبریتی‌ها در برابر منتقدان آنها است؛ اما آیا اظهار نظر کسانی که بواسطه یک حرفه هنری یا ورزشی برسکوی شهرت و محبوبیت اجتماعی



بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از سرخ‌های پروژه فشار مجازی به چهره‌های معروف را باید در نقش آفرینی برخی از چهره‌های معروفی جست‌وجو کرد که پس از ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ با خروج از کشور، در خدمت اهداف ضدایرانی بعضی جریان‌های معاند قرار گرفته‌اند و در یک سال گذشته، نقشی محوری از اعمال فشار به هنرمندان و چهره‌های معروف به منظور موضع‌گیری علیه جمهوری اسلامی داشته‌اند

